

تجلیات روح ایران

جمعیت مزداسنان

Mazdaznan — Tempel Society

بر و انتقال و قوذا افکار و عقاید، یکی از بزرگ ترین غرایب خلقت است و یکی از آن اسراری است که عقول بشر هنوز بچگونگی و اهمیت آن پی نبرده است. جمعیت «مزداسنان» یکی ازین غرایب سیرعقاید و یکی از تجلیات روح ایرانی را نشان میدهد. آیا شایسته حیرت و ستایش نیست که پس از دو هزار و پانصد سال که از عهد ظهور زردشت پیغمبر پاک سرشت ایرانی گذشته و پیروان وی مجبور بترك وطن اجدادی خود گردیده اند يك مرد بینای اروپائی تعلیمات وی را قبول میکند و آن را با حقایق علمی و احکام دین مسیحی امتزاج داده بعضی از مراسم و آداب و اصطلاحات و احکام دین زردشت را از نو زنده کرده چندین هزار پیروان پرشور و زنده دل را پروانه وار دور شمع عشق خود جمع میکند؟



قریب چهل سالست که این جمعیت در اروپا و آمریکا تشکیل یافته و در اغلب ممالک مهم این دو قلمه محظنها و جرایم و اداره ها تأسیس نموده و عده کثیری برای خود پیروان مشتاق و فداکار پیدا کرده است. رئیس این جمعیت شخصی است موسوم به «دکتر اوتمان هانیش زرادشت» که لفظ «زرادشت» را باسم خود

علاوه میکند و پیروان او وی را «استاد معظم» خطاب میکنند! در باره شخص «دکتر اوتمان هانیش زرادشت» پاره‌ای افسانه‌ها و حکایت‌های اسرار آمیز گفته میشود که ما در ضمن این تبعات خواهیم نگاشت. حالا خوبست قبل از آنکه بذکر ملاحظات شخصی خویمان در موضوع این جمعیت پردازیم از نشریات خود آن جمعیت اساس و مقاصد او را شرح دهیم. در پیاتامه خود اسؤالات مقدری که هر جوینده طالب بایستی کند چنین جواب داده است:

۱ — آیا مزداسنان چیست؟ جواب:

مزداسنان قدیم‌ترین و وسیع‌ترین تعلیم و حکمت است در باره تربیت فکری و بدنی که تا امروز نوع بشر توانسته است فکر کند و یا تا امروز از طرف خداوند الهام شده است.

۲ — از کجا نشئت کرده است؟ جواب: او از نخستین منبع ابدیت سر زده است و در روی تجربیات و مشاهدات بنا شده و از طرف عقل و الهام اداره می‌شود. مزداسنان جامع تمام حقایق و اساساتی است که تعلیمات مذهب و فلسفه و فنون و علوم اجتماعی در روی آنها بنا شده است.

۳ — برای که تأسیس شده است؟ جواب: برای تو و من و هر فردی که قدرت تفکر داشته و صحت و خوشبختی و کامیابی را مقصد غائی زندگی خود کرده باشد زیرا بدون اینها هرگز کمال بشر عمل نمی‌آید.

۴ — آیا مزداسنان یک مذهبی است؟ جواب: او نه مذهب نه فرقه و نه سوزة دینی است. از هر گونه تشکیلات تسلط آمیز و از قوود هر فرد و یا جمعیت افراد آزاده است. بمضای اخص، عبارت از طریقت یک خانواده شاهانه است که اعضای وی اسرار

زندگی را که مالک هستند تمام دنیا می‌خواهند تعلیم کنند.

۵ — از تعلیمات مزداسنان چه فایده توان برد؟ جواب: بعضی از تعلیمات مزداسنان این است: معرفت نفس، ضبط نفس، تقویت قوه اراده و حضور فکر، عزم و تصمیم، استقامت، تنفسهای صحیح و منتظم، تمرکز افکار، موفقیت، تکمیل هفت حس سفلی و پنج حس علوی، بکار انداختن مراکز اعصاب و جهازات عصبی و قلب و دوران خون و غدد، تأمین طول عمر، آزاد کردن خود از نفوذ تلقین و توهم دیگران، قلع ریشه امراض، تخریب مکر و بها و باسیل‌ها، تعلیم قوه‌های غذاها و اهمیت «ویتامین»، تجدید قوای بدنی و دماغی، تعلیم قوه شفائیه صدا، تولید روح اختراعات و نجات بشرت!...

۶ — پس از تکمیل تحصیلات از من چه توقع خواهد شد؟ جواب: اینکه تو یک زندگی ساده پیش گیری و با اعمال خود مثال خوبی از افکار نیک و افعال نیک نشان بدهی تا اینکه دیگران نیز نور حقیقت را به بینند و طریق تکامل را طی کنند.

۷ — کلمه مزداسنان چه معنی دارد؟ جواب: مزداسنان از دو کلمه ترکیب یافته. مزدا یعنی بلندترین آرزوی بشر و یا بلندترین فکر، سنان که مخفف پسندان است یعنی تعظیم و پرستش یعنی کسی که تکالیف دینی و وجدانی خود را با بزرگترین دقت و فکر ادا میکند. خلاصه مزداسنان یعنی «فکر عالی و فکر استادانه».

۸ — از تعلیمات مزداسنان چه امظاراتی میتوان داشت؟ جواب: عالیترین و نجیب‌ترین و بهترین قوای بدنی و فکری و حسی و روحی تو انکشاف و کمال پیدا میکند. از ناخوشی و نادانی و خطا آزاد می‌شوی و مقدرات خود را دست خود می‌گیری. همه استعدادها و طیبت‌ها و قابلیت‌های خود را برای اجرای مقاصد عالی صرف

میکنی. زندگی روزانه خود را مبدل يك ترانه آهنگدار که با عالم خلقت توافق دارد مبدل می‌سازی. و ضمناً خودت را عضو يك مجسمی خواهی کرد که خودش را از خودپرستی و غرور رها کرده بمقام عشق خدا و خدمت بنوع بشر رسانیده و به تسریع نجات بشریت کوشیده است.

خلاصه همینکه تو خودت را از زنجیر تمایلات سفلی موروته و گذشته نجات دادی در تخریب بنای تفرقه میان نوع بشر شرکت خواهی جست و تکلیف عمومی انسانرا خواهی دانست که اینست: «من بدین جهان قدم گذاشته‌ام تا آنرا آباد کنم و پیاپانهای آنرا مبدل به بهشت سازم تا برای خدا و پیوستگان سلك محبت او يك نشیمن گاه مناسبی شود»...!

۹ — در مقابل این تعلیمات، چه وظیفه نسبت بمزداسنان دارم؟
جواب: فقط این وظیفه را داری که اخلاق خود را تمیز نگاه داری و يك حرمت و شرافت نسبت به هیئت جامعه نشان بدهی. با عقل رفتار کن و موافق منطق حکم بده و حقانیت را دوست دار. دانسته و فهمیده این طریقه زندگی و نظامات آنرا اجرا کن و تکالیف خود را با يك اطاعت و علاقه کامل بجا آر. تعظیم کن کسی را که شرافت را دوست دارد. و تقدیس کن خدائی را که منشأ کل است چه بالاتر از خداوند قادی و بزرگتر از حقیقت مذهبی نیست!

۱۰ — تعلیمات عالیة مزداسنان برای مبتدیان چرا داده نمیشود؟
جواب: زیرا آموزگاران مزداسنان قابلیت فهم و هضم قوای بدنی و روحی طالبان را در نظر میگیرند و وظیفه خود میدانند که آنان را کمک کنند تا يك بدن قوی و محکم برای خود تهیه نمایند و خود را موافق ذکاوت شخصی خود تکمیل نمایند. بدین وسیله

برای مردم يك شخصیت مستقل، يك آزادی فکری و يك استعداد جامع با يك صحت کامل یاد داده خواهد شد.

۱۱ — کدام شخص مرا تعلیمات لازمه را خواهد داد؟ جواب: آن مرد روزگار که مستقل، مالک نفس خود، نیکخواه، با ادب و مهربان است. آن مرد که سخت‌ترین مسائل زندگی را حل کرده و يك زندگی ساده دارای افکار خوب، اقوال خوب و اعمال خوب میگذراند یعنی يك مزداسنان.

۱۲ — آیا مزداسنان مانع از مذهب و شغل من خواهد شد؟ جواب: هیچ وجه. مزداسنان برای تخریب کار نمی‌کند بلکه تعلیم می‌دهد، آباد می‌کند و تکمیل مینماید. مزداسنان فرقه نیست که جستجوی طرفدار کند بلکه يك پیام و سروشی است که میخواهد اجزای گسسته سلسله قرابت بشر را از نو بهم پیوند سازد.

هیچ شکی نیست که این تعلیمات در میان طبقات مختلف افراد اروپا که امروزه دوچار ضعف قوای روحی و یأس کلی از زندگی شده‌اند تأثیرات زیاد می‌بخشد بخصوص که در میان معلمان و مبلغان این جمعیت اشخاص عالم و فاضل و پرشور زیاد هستند و تمام درسها و تعلیمها و مشقها و ورزشها و غیره را موافق قواعد فنون عصر جدید یاد میدهند.

این جمعیت در دایره تربیت قوای جسمانی بمسائل تغذیه و تنفس و روابط جنسی بسیار اهمیت میدهد و برای خود يك طرز مخصوص تغذیه نباتی و يك طرز مخصوص تداوی با علفیات تأسیس نموده است که بسیار مشروح و مفید است و بدین وسیله همه اعضای آن ایمان دارند که بیش از صد سال باصحت کامل خواهند زیست. درین مقاله بدین نظر اجمالی در اساس تعلیمات این جمعیت اکتفا میکنم و در مقاله‌های آینده اولاً راجع بشخص مؤسس این

جمعیت که حکایات و افسانه‌های غریب در باره او گفته می‌شود و ثانیاً در باب تعلیمات و محفل‌های او و اثراتی که تا کنون بخشیده است با مناسباتی که بآین زردشت دارد، شرحی خواهم نوشت.

برلین — ۱ خردادماه ۱۳۰۵ — ح. ک. ایران‌شهر

اشعار منثور

قلب و امید

ای زندگانی! چقدر برای بشر ذیقیمت و کران هستی!
تا چه اندازه بشر بشو قدر و عظمت داده و احترام میگذارد! حتماً
يك چیز در توی تو وجود دارد که تا این اندازه تو را دارای
ابهت و جلال نموده است. آری آری يك چیز در تو — در تو
ای زندگانی و حیات — هست که دماغ بشر بجهت بقای تو
يك چشمه زندگانی و آب حیات در يك فسحت ظلمانی موهومی
از خود زائیده است و گرنه خضر و الیاس در خشکی و دریا
چه کاره‌اند؟ برای ابدیت تو است — ای زندگانی — که
بشر این همه تفحصات عجیب و غریب در عالم علم و معرفت
نموده و مینماید، برای لایزال بودن تو است که اینهمه فنون
و علوم متنوع و رنگارنگ از عدم بوجود آورده و می‌آورد.
این يك چیز را من چگونه بفهمم چیست؟ این چیزیکه تو را
— ای زندگانی — مبعود بشر قرار داده کجا جستجو کنم؟
هر چه است در قلب است، آری قلب، قلب بشر! قلب